



20 دسمبر 2014



داکتر سید عبدالله کاظم

مسائل حقوقی و قانونی را نباید به میدان سیاست بازیها کشانید!

با نزدیک شدن انتخابات شورای ملی و شورای های ولسوالی در سال آینده و پس از تجارب تلخ دوره گذشته انتخابات ریاست جمهوری و شوراهای ولایتی اکنون موضوع صدور تذکره های الکترونیکی بیشتر از هر وقت دیگر یک ضرورت مبرم محسوب میشود. شورای ملی بتاريخ 9 قوس سال جاری بعد از بحث های طولانی مصوبه قانون "ثبت و احوال نفوس" را به مقام ریاست جمهوری ارائه کرد که از طرف رئیس جمهور توشیح گردید. برخی از نهاد های جامعه مدنی و احزاب سیاسی و تعدادی از مردم خواهان ذکر کلمه "افغان" منحصیث هویت افغان ها در تذکره شدند و رئیس جمهور به اساس این شکایت ها موضوع را غرض ارزیابی به ستره محکمه رویت داد. از آن به بعد بحث های جدی در رسانه ها به طرفداری و به مخالفت با اینکار صورت گرفت که سلسله این مباحثات تا هنوز هم ادامه دارد.

در این ارتباط باید گفت با آنکه موضوع درج کلمه "افغان" در متن تذکره الکترونیکی اساساً یک بحث حقوقی و قانونی است، اما طرفین "موافق و مخالف" آنرا به یک بحث سیاسی میتدل تبدیل کرده و مثل توپ فوتبال آنرا به میدان بازی سیاسی کشانیده و هر طرف میکوشد این توپ را بخواست سیاسی خود به گول برساند. آنها در این بازی یکدیگر را با کلمات بسیار زشت و مستهجن (که از ذکر آن خود داری می کنم) یاد کرده و حتی اتهام "خیانت" را یک بر دیگر می بندند. در اینجا میخواهم با فاصله گرفتن از ماهیت سیاسی قضیه، فقط معلومات مختصر در باره تاریخچه موضوع و در عین حال ماهیت حقوقی و قانونی آن خدمت خوانندگان محترم تقدیم دارم :

در تاریخ کشور برای اولین بار در عصر فرخنده امانی توزیع تذکره به حیث یک سند رسمی تابعیت مطرح شد و در سال 1303 شمسی بار اول قانون مربوطه بنام "نظامنامه تذکره نفوس و اصول پساپورت و قانون تابعیت" (آنوقت ها پساپورت را "پساپورت" می نوشتند) تدوین و به منصبه اجرا قرار گرفت. این نظامنامه در 43 صفحه و دارای جمعاً 105 ماده بود که فصل اول آن از ماده اول تا ماده چهل و یکم مربوط به مسائل "تذکره نفوس" و فصل دوم از ماده چهل و سوم تا اخیر مربوط به "اصول پساپورت" میباشد که این نظامنامه در همان سال به تعداد دوهزار نسخه در مطبعه "دائرة تحریرات مجلس عالی وزرا" طبع گردید و در دسترس مأموران موظف در داخل و خارج کشور قرار داده شد. این نظامنامه از ماده چهارم تا ختم تمام حالات، صورت تطبیق و مکلفیت های مأموران موظف و نیز ادارات مربوطه را به تفصیل بیان میدارد.

در ماده دوم این نظامنامه آمده است: «تبعه افغانی چه در داخل و چه در خارج بگرفتن تذکره نفوس یعنی تذکره تابعیت دولت متبوعه خود مجبور هستند»؛ در اجزای این ماده داشتن تذکره را برای هر تبعه افغان در موارد آتی حتمی میداند: 1 - «در زمانیکه حساب معاملات خود را با دولت قطع [مقصود تصفیه است - نویسنده] مینمایند»، 2 - «در وقت تحویل نمودن محصولات [مالیات و سائر تعهدات جنسی و نقدی]»، 3 - «در داخل شدن ملازمت [مأموریت] دولت»، 4 - «در گرفتن پساپورت یعنی راهداری برای سفر خارجه»، 5 - «در گرفتن تقاوی [کمک مالی و جنسی از دولت]»، 6 - «در داخل شدن بچه ها در مکتب».

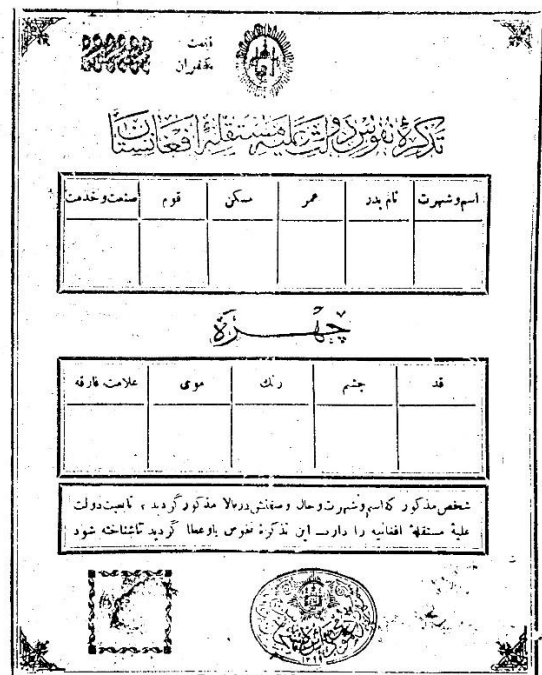
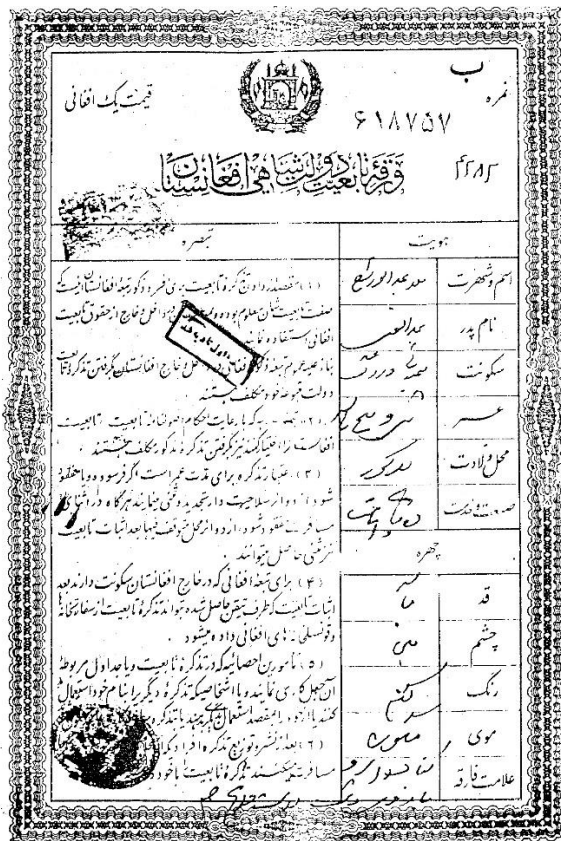
ماده سوم نظامنامه حکم میکند که: «تشخیص تبعه افغانی از روی تذکره نفوس میشود. اگر تذکره نداشته باشد پساپورت بجهت رفتن از داخل بخارج و در خارج از یک مملکت به مملکت دیگر برای او داده نمیشود».

پس از وقوع اغتشاش "سقاوی" و تغییر نظام با تشکیل "شورای ملی" نام "نظامنامه" ها در مجموع به "اصولنامه" و یا بعضاً به "قانون" تبدیل گردیدند، ولی محتوای اغلب آنها بسیار تغییر نکرد و همچنان به استثنای بعضی تعدیلات قسمی تا سالهای متمادی عین روش در اجرای امور ادامه یافت و بصورت تدریجی برطبق شرایط زمان و ایجابات اداری قدم

بقدم تکامل کرد. در اینجا خالی از دلچسپی نخواهد بود که یک کاپی از تذکره دوره امانی و بعداً تذکره در دوره بعدی را طور نمونه خدمت تقدیم دارم:

طوریکه در نمونه شماره اول که مربوط دوره امانی است، دیده میشود: تذکره به شکل یک ورق بوده در روی ورق که مزین به نشان رسمی دولت و در ذیل آن عبارت "تذکره نفوس دولت علیه مستقلة افغانستان" نوشته شده است که در دو قسمت افقی در قسمت بالا اسم و شهرت، نام پدر، عمر، مسکن، قوم و صنعت و خدمت و در قسمت پایین زیر عنوان "چهره" مشخصات ظاهری شخص از جمله: قد، چشم، رنگ، موی و علامت فارقه درج گردیده و در ذیل آن این متن گنجانیده شده است: «شخص مذکور که اسم و شهرت و حال و صفتش در بالا مذکور گردید، تابعیت دولت علیه مستقلة افغانستان را دارد. این تذکره نفوس باو عطا گردید تا شناخته شود؛» در پایان محل امضای مأمور موظف و مهر دفتر مخصوص تسجیل و در حاشیه سمت چپ آن محل نصب تکت صکوک دیده میشود.

در عقب ورق این متن نوشته شده است: «بر جمله افراد ذکور رعیت دولت علیه مستقلة افغانستان لازم و ضروری است که تذکره نفوس را بگیرند تا از افراد تبعه دولت علیه مستقلة افغانستان شمرده شوند. اگر شخصی تذکره خود را مفقود نکند، در تمام عمرش یک تذکره کافی است و اگر تذکره اش مفقود شود ضرور است که تجدید آن را بنماید. اگر در چهره شخص یک علامت فارقه از باعث حادثه یا مرض یا سوختگی پیدا شود و از سابق نباشد لازم است که فوراً علامت مذکور را در تذکره خود بحضور کلانتر قریه دار



نمونه اول: تذکره دوره سلطنت شاه امان الله و نمونه دوم: تذکره دوره سلطنت محمد نادر شاه و بعداً محمد ظاهر شاه (دو نمونه تذکره های فوق از کتاب: "اسناد و نامه تاریخی افغانستان" که توسط شهرت ننگیال گردآوری و بار اول در سال 1366 در کابل و بار دوم در 1377 در پشاور چاپ گردیده، گرفته شده است)

د پانیو شمیره: له 2 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
پادونه: دلپیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولئ

خود تصحیح کند. اگر شخصی از محل سکونت اصلی خود نقل مکان نماید ضرور است که کلانتر قریه دار محل سابقه و جدید خود را اطلاع نماید. هرگاه شخصی تذکره نفوس خود را داشته باشد در داخله مملکت علیه مستقله افغانیه بدون راهداری آزادانه سفر و تردد کرده می‌تواند. هرگاه شخصی خیال سفر و رفتن به خارج مملکت را داشته باشد از اداره های کوتوالی پساپورت بگیرد. اگر شخصی تذکره نفوس نداشت اعتماد دولت در امور ذیل بر او نخواهد بود و عرض او شنیده نمی‌شود:

- 1 - در فروش و گرو اشیای منقول و غیرمنقول خودش و یا وکالت از جانب شخصی،
- 2 - در شنیدن دعاوی حقوقی و مضاربت در محکمه جات عالیله شرعیه یا دایره ها حکومت دولت علیه مستقله افغانیه،
- 3 - در عقد نکاح یا طلاق یا شهود - یا وکیل دعوی از جانب شخصی،
- 4 - در داخل شدن در ملازمت دولت،
- 5 - در گرفتن پساپورت (یعنی راهداری برای سفر خارجه)،
- 6 - در گرفتن تقاوی و غیره،
- 7 - در داخل شدن بچه ها در مکاتب،
- 8 - هرگاه شخصی از دولت خارج ملازمت و یا رعیتی به دولت علیه مستقله افغانیه ...، لازم است که تذکره افغانیه را بگیرد.

نمونه دومین تذکره که بعد از دوره اغتشاش سکوی به رویت قانون تابعیت و احوال نفوس تهیه و توزیع گردید که تاریخ دقیق آن برایم معلوم نیست، اما تذکره باز هم به شکل یک ورق بود و متن آن کلاً در روی یک صفحه و به حیث یک سند رسمی در یک شکل مرغوب تهیه شده که با نشان جدید دولت و ذکر "ورقه تابعیت دولت شاهی افغانستان" مزین و برای بار اول شماره ثبت احوال نفوس در آن درج گردیده است؛ بطرف راست آن یک ستون دیده میشود که در قسمت فوقانی آن مشخصات هویت (اسم و شهرت، نام پدر، سکونت، عمر، محل ولادت، صنعت و خدمت) و در پایان آن چهره (قد، چشم، رنگ، موی، علامت فارقه) و نیز به جای "قوم" به ذکر "محل ولادت [تولد]" اکتفا شده است. به سمت چپ ورق توضیحات لازمه در 6 فقره ذکر شده و در پایان آن مهر اداره تسجیل نفوس دیده میشود. فقره اول مشعر است: «مقصد از دادن تذکره تابعیت برای افراد ذکور تبعه افغانستان اینست که صفت تابعیت شان معلوم بوده و بموجب آن در داخل و خارج از حقوق تابعیت افغانی استفاده نمایند. بناً علیه عموم تبعه ذکور افغانی در داخل و خارج افغانستان بگرفتن تذکره تابعیت دولت متبوعه خود مکلف هستند». قابل تذکر است که داشتن تذکره در دوره امانی و بعداً تنها برای اتباع "ذکور" افغان حتمی بود و طبقه "اناث" افغان مکلف به گرفتن تذکره نبودند.

در زمان صدرات شهید داؤد خان شکل تذکره تغییر کرد و از ورق به شکل کتابچه کوچک در آمد و چند ورق سفید در آن علاوه گردید که برای مقاصد خاص، بخصوص بعداً در دوره مسما به "دهه دموکراسی" از همین اوراق منضمه تذکره حین رأی دهی در انتخابات پارلمانی استفاده میگردد. راجع به تغییر در شکل و محتوای تذکره در دوران حکومت خلقی - پرچمی چندان اطلاعی در دستم نرسیده و لذا نمیتوانم درباره بطور مستند صحبت نمایم. کسانیکه در زمینه معلومات داشت باشند، امید است برای تکمیل این بحث بنگارند. ولی گفته میتوانم که در دوره حکومت تنظیمی و امارت طالبی تغییری مهم در زمینه به وقوع نپیوسته است و اما بعد از سقوط طالبان باز هم همان تذکره های سابق مدار اعتبار بوده و برای کسانیکه تذکره شان به نحوی مفقود و یا حریق شده بود، برویت کتاب اساس که در شعب مربوطه در نواحی شهری و یا دفاتر ولایات و غیره موجود بود، پس از تصدیق وکیل گذر و یا قریه دار محل میتوانستند مثنی تذکره خود را بدست آورند و برای تازه متولدان و کسانیکه تذکره نداشتند، بعد از طی مراحل تذکره داده می‌شد.

د پانیو شمیره: له 3 تر6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ



د کورنیو چارو وزارت
داداری چارو معینیت
د نفوسو د احوالو د ثبتولو لوی ریاست

ولایت
ولسوالی - ناحیه
کلی - کنړ
د کورگنه

قیمت (۱۰) افغانی د () نوي مدیریت

بیزندنه	
نوم	ونه
د پلار نوم	د پلار نوم
د نیکه نوم	د نیکه نوم
د زېږیدونو حای	د زېږیدونو حای
د زېږیدونو نېټه او عمر	د زېږیدونو نېټه او عمر
دین	دین
ملیت	ملیت
شغل	شغل
جنس	جنس
مدنی حال	مدنی حال
د عاید شمیر	د عاید شمیر
د زوی	د زوی
د مسول مامور لاسلیک	د مسول مامور لاسلیک
نوم	نوم
رتبه	رتبه

د صکوکو مطبعه

(شکل و محتوای تذکره هایکه برویت تذکره های مفقودی سابقه و جدید توزیع میگردد و تاهنوز مرعی الاجرا میباشد)

مهمترین تفاوتی که در تذکره و یا مثنی آن در این دوره به مشاهده میرسد، همانا از نظر شکل برگشت از کتابچه به ورق بوده و از نظر محتوا بجای آنکه مثل تذکره های قبلی در متن آن عبارت: "تابعیت دولت علیه مستقله افغانستان" و یا "ورقه تابعیت دولت شاهی افغانستان" درج باشد، برعکس تذکری از تابعیت در آن نرفته، بلکه این عبارت در عنوان آن به چشم میخورد: "د کورنیو چارو وزارت، د اداری چارو معینیت، د نفوسو د احوالو د ثبتولو لوی ریاست"، و اما در ستون دست راست چند مشخصه دیگر علاوه شده است: "دین"، "ملیت"، "جنس"، "حالت مدنی"، "د عاید شمیر"، "زبان - مادری و خارجی". گمان میرود که این تغییرات مهم و عمده طی سالهای بعد از کودتای ثور در شکل و محتوای تذکره ها به وجود آمده و تا امروز همچنان ادامه دارد.

در این روزها بحث بر اینکه در تذکره های جدید "الکترونیکی" باید کلمه "ملیت" یعنی "افغان" حتمی درج گردد تا بیانگر "هویت ملی" دارنده تذکره باشد، به یقین که از همین محتوای تذکره های فعلی منشأ میگیرد چنانکه در آن یک محل برای ذکر "ملیت" وجود دارد. کسانیکه بر درج ملیت در تذکره های جدید الکترونیکی اصرار می ورزند، باید به این موضوع دقت کنند که در تذکره های فعلی در عنوان این نکته وضاحت نیافته که: "تذکره معرف تابعیت دارنده آن به حیث یک تبعه افغانستان میباشد"؛ این مطلب در هیچ جای تذکره های فعلی درج نشده و لذا ایجاب میکرد که در یکجا باید به این موضوع اشاره می شد که در همان ستون زیر نام "ملیت" محل ذکر پیدا کرد که در حقیقت یک اشاره ضمنی و در حاشیوی است.

د پانو شمیره: له 4 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلپیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په څیر و لولئ

اکنون اگر به محتوای تذکره الکترونیکی دقیقاً نظر انداخته شود، در دو گوشه آن با حروف درشت به پشتو و دری بسیار واضح چنین نگاشته شده است: بطرف راست "د افغانستان اسلامی جمهوریت، در کورنیو چارو وزارت، د تابعیت تذکره" و بطرف چپ "جمهوری اسلامی افغانستان، وزارت امور داخله، تذکره تابعیت". با این تذکر که واضح و صریح است، منطقاً دیگر لزومی به محل ملیت در متن دیده نمیشود. اگر در متن بار دیگر در ارتباط با ملیت "افغان" نوشته شود، یک کلمه تکراری و متحدالمال خواهد بود، زیرا غیر از آن کلمه دیگر مطرح نیست.



بیمورد نخواهد بود در عین زمان نگاهی به مواد قانون اساسی کشور طی دوره های مختلف انداخت و دید که قانون اساسی در مورد ملیت یعنی تابعیت افغانستان که با مشخصه "افغان" خلاصه میگردد، چه نکاتی را در بر میگیرد:

1 - در اولین قانون اساسی افغانستان مسما به "نظامنامه اساسی دولت علیه افغانستان" (منتشره حمل 1302 شمسی) در دوره امانی در ماده هشتم آمده است: «همه افرادی که در مملکت افغانستان میباشند، بلا تفریق دینی و مذهبی تبعه افغانستان گفته میشوند. صفت تابعیت افغانیه مطابق نظامنامه مخصوصه استحصال و یا اضاعه [از دست دادن - نویسنده] کرده میشود».

2 - در قانون اساسی 1309 که تا 1343 نافذ بود (در دوره سلطنت محمد نادر شاه و محمد ظاهرشاه) ماده نهم: «همه افرادی که در مملکت افغانستان میباشند، بلا تفریق دینی و مذهبی تبعه افغانستان گفته میشوند. صفت تابعیت افغانیه مطابق اصولنامه تابعیت استحصال و اضاله میشود». در اینجا دیده میشود که این متن در هر دو قانون اساسی هیچ تغییری نکرده است.

3 - در قانون اساسی 1343 (دهه دموکراسی - سلطنت محمد ظاهرشاه) در ماده اول بند دوم تصریح شده است که: «ملت افغانستان عبارتست از تمام افرادی که تابعیت افغانستان را مطابق به احکام قانون دارا باشند. بر هر فرد از افراد مذکور کلمه "افغان" اطلاق میشود». در لویه جرگه قانون اساسی آن سال بعد از مباحثه زیاد جرگه تصویب کرد که: «مقصد از کلمه افغان اینست که فردیکه در افغانستان زندگی میکند و تبعه افغانستان است از هر قوم و قبیله ایکه باشد، افغان گفته میشود».

4 - قانون اساسی دوره جمهوری محمد داؤد خان (مصوبه دلو 1355) ماده بیست و یکم، بند دوم مشعر است که: «ملت افغانستان عبارت است از تمام افرادی که تابعیت دولت افغانستان را مطابق باحکام قانون دارا باشند. بر هر فرد از افراد ملت افغانستان کلمه افغان اطلاق میشود».

5 - در قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان (مصوبه دلو 1382) ماده چهارم از بند دو تا پنج حکم میکند که: «ملت افغانستان عبارت است از تمام افرادی که تابعیت افغانستان را دارا باشند. ملت افغانستان متشکل از اقوام پشتون، تاجک، هزاره، ازبک، بلوچ، پشه یی، نورستانی، ایماق، عرب، قرغیز، قزلباش، گوجر، براهوی و سایر اقوام می باشد».

– «بر هر فردی از افراد ملت افغانستان کلمه افغان اطلاق میشود».

د پانو شمیره: له 5 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
پادونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولی

– «هیچ فردی از افراد ملت از تابعیت افغانستان محروم نمی گردد».
– «امور مربوط به تابعیت و پناهندگی توسط قانون تنظیم میگردد».

به استناد مواد قانون اساسی جدید و نیز به تاسی از متون قوانین اساسی سابقه همه در این مدت 90 سال که از عمر قوانین اساسی افغانستان می گذرد، به یک متن و یک محتوای داد زده است که ملت افغانستان عبارت است از تمام افرادی که تابعیت افغانستان را دارا باشند و بر هر فردی از افراد ملت کلمه "افغان" اطلاق میشود. پس تشویش کسانی که در یک بازی ضد وحدت ملی و در تباین با مواد قانون اساسی فکر میکنند که "افغان" یعنی "پشتون" در چیست؟ آنها باید بدانند که با اطلاق کلمه "افغان" بر تمام مردمی که تابعیت افغانستان را دارند، میتوان بین پشتون های غیر افغان، از یک های غیر افغان، تاجک های غیر افغان و به همین ترتیب بلوچ های غیر افغان تفکیک کرد. همچنان آنعده بازیگران سیاسی که میخواهند با معادلت "افغان" با "پشتون" امتیازادغام پشتونها ماورای سرحد را کسب کنند و آنها را نیز جزء تبعه کشور بشمارند، نیز اشتباه کرده و اصرار شان صریحاً مغایر به قانون اساسی افغانستان میباشد. اگر ما واقعاً خواهان وحدت ملی هستیم و در راه ملت سازی تلاش میکنیم، باید بر آنچه قانون اساسی ما حکم میکند معتقد باشیم و در فکر و عمل خود به آن پابند و صادقانه عمل کنیم و به چیزهای مُسَلَم از جمله تذکر کلمه "ملیت: افغان" یک موضوع ملی، قانونی و منطقی است، نباید با یکدیگر جدال کنیم و با همجو مباحثی که قانون آنرا حل کرده است، وقت خود را ضایع و مردم خود را دچار ناباوری و آغشته در مشکل سازیم. و من الله التوفیق

د پانو شمیره: له 6 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ